

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دوماه‌نامه علمی - پژوهشی، سال شانزدهم، شماره ششم، بهمن و اسفند ۱۳۹۵، ۲۳-۴۰

بررسی و نقد کتاب جلوه‌های بلاغت در نهج‌البلاغه

علی پیرانی شال*

چکیده

نگارش اثری آموزشی درباره سخنان امام علی (ع)، بعد از قرآن کریم و احادیث رسول اکرم (ص)، امری ضروری و ثمربخش است؛ سخنانی که گاه هر جمله آن رهرو را به سر منزل مقصد رهنمون می‌شود، ولی عظمت کلمات امام همام چنان است که هر کس را یارای نوشتن در آن باره نیست؛ بنابراین، تلاش استاد فرزانه محمد خاقانی به سبب حسن انتخاب موضوع، در جهت بررسی و واکاوی مباحث گوناگون علم بیان و علم بدیع در نهج‌البلاغه، و به علت گردآوری مثال‌ها و شواهد زیبا درباره مباحث این دو علم و ارائه برخی نظرهای شخصی تحسین‌شدنی و درخور قدردانی است. از آن‌جاکه کتاب‌های آموزشی نقش بسیار مهمی در یادگیری دارند، نقد و ارزیابی مستمر آن‌ها و تلاش برای از بین بردن کاستی‌های آن‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است؛ از این رو، نگارنده این مقاله نخست کتاب ارزشمند جلوه‌های بلاغت در نهج‌البلاغه را به دقت مطالعه کرده، سپس ضمن احترام به مؤلف اثر و احترام به زحمات فراوان و منزلت والای علمی ایشان، علاوه بر ذکر نقاط قوت، چند نکته را به منظور بهبود و بالابردن کیفیت اثر متذکر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: جلوه‌های بلاغت در نهج‌البلاغه، بیان، بدیع، محمد خاقانی.

۱. مقدمه

کتاب درسی، به‌رغم تنوع و تکثر وسایل جدید آموزشی و اطلاع‌رسانی، از مهم‌ترین ابزار آموزشی در همه سطوح به‌شمار می‌رود و در تحقق اهداف آموزشی و اطلاع‌رسانی نقش اساسی دارد. کتاب درسی دانشگاه‌ها و سیله‌هایی است که استادان

* دانشیار دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه خوارزمی، ali.piranishal@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۰

صاحب‌نظر جهت یاددهی آن را به‌کار می‌گیرند و دانشجویان برحسب وظیفه یا علاقه‌مندی به یادگیری مباحث آن همت می‌گمارند (رضی ۱۳۸۸: مقدمه).

یکی از ضعف‌های سیستم آموزشی در سطح دانشگاه اصرار بر مطالعه منابع قدیمی و کتبی نه‌چندان مناسب است که در برخی موارد نه‌تنها مزیتی ندارند، بلکه گاهی کاستی‌های فراوانی نیز در آن‌ها مشاهده‌شدنی است. کتاب‌هایی که در زمینه بلاغت به‌منزله منبع درسی نگاشته شده‌اند از این عیب به‌دور نیستند؛ درحالی‌که ذخایر ارزش‌مندی از متون عربی، هم‌چون *نهج‌البلاغه* و *صحیفه سجادیه*، علاوه‌بر احادیث نبوی شریف، به دلایلی نامعلوم در متن این کتاب‌ها کم‌ترین جایگاه را دارند. قدر مسلم جای خالی آثاری هم‌چون *نهج‌البلاغه* در کتاب‌های بلاغت به‌اشکارا دیده می‌شود. شاید به‌قول فریدون سپهسالار «نه هرچه دانستی است دیدنی است و نه هرچه دیدنی است گفتنی است و نه هرچه گفتنی است، نوشتنی است» (سپهسالار ۱۳۲۵: ۲۶ به‌نقل از گرجی). عبارت مذکور دشواری نوشتن و صعوبت تبیین درباره برخی از مفاهیم و گزاره‌ها را در قالب نوشتار بیان می‌کند و خود نشان‌دهنده این است که نوشتن درباره برخی از مقولات و مفاهیم دشوارتر از گفتن آن‌ها است (همان: ۲۶). حال شایسته می‌نماید که در بازنگری چنین منابعی و معرفی آن‌ها به‌منزله منبع درسی و آزمون‌نی توجه بیش‌تری مبذول شود. *نهج‌البلاغه* از جهات مختلف در حکم اثری ارزش‌مند همواره مورد توجه بسیاری از اهل خرد بوده و شارحان و سخن‌وران بسیار در بیان مفاهیم بلند و زیبایی‌های آن سخن گفته‌اند، حال آن‌که حق جنبه بلاغی آن از حیث پژوهش و تحلیل و بررسی به‌نحو شایسته ادا نشده است؛ مرحوم دشتی در مقدمه ترجمه خود بر *نهج‌البلاغه* سخنی نقل می‌کند که تأمل‌پذیر است:

از آغاز تحصیلات حوزوی که ترجمه‌های موجود را مطالعه می‌کردم و کاستی‌های مفهومی را می‌یافتم، نگران و در فکر چاره‌اندیشی بودم که یکی از نوشته‌های جرج جرداق مسیحی را خواندم که اعتراف کرده بود: «جاذبه‌های کلمات امام علی (ع) شوری در من ایجاد کرد که ۲۰۰ بار *نهج‌البلاغه* را خواندم». چنان بر خود لرزیدم و به تعصب و غرور اعتقادی من ضربه وارد شد که تا مدتی حالت عادی نداشتم. بر خود نفرین کردم که چرا یک مسیحی ۲۰۰ بار *نهج‌البلاغه* را می‌خوانده، اما من که خود را از شیعه امام علی (ع) می‌شمارم و ادعای محبت و ولایت او را دارم به‌راستی چند بار *نهج‌البلاغه* را خوانده‌ام ... (دشتی ۱۳۸۸: ۹).

به‌راستی که در پرداختن به این گنجینه بزرگ و میراث ارزش‌مند از منظر علم بلاغت بسیار غفلت شده است و از این حیث کتاب حاضر از ارزش والایی برخوردار است و

ضروری می‌نماید که نقاط قوت و برخی کاستی‌های آن در جهت بهبود کیفیت واکاوی شود تا با ارائه کتابی هرچه کامل‌تر بتوان جویندگان علم و دانش را با مفاهیم بلند نهج‌البلاغه و زیبایی‌های آن بیش‌تر آشنا کرد و ازسویی بستر لازم برای جانشینی این‌گونه آثار به‌جای کتاب‌هایی که ذکر شدند فراهم کرد. مهم‌ترین سؤال این است که اگر نگارنده محترم توانسته است مسائل بلاغی را تبیین کند و در آموزش آن موفق باشد، خواننده با خواندن این اثر تا چه میزان می‌تواند قدرت تشخیص جلوه‌های علم بلاغت به‌ویژه بیان و بدیع را به‌دست آورد؟ به‌نظر می‌رسد که نگارنده با دقت و تسلط علمی تاحد زیادی توانسته است مسائل بلاغی را با استفاده از شواهد نهج‌البلاغه به‌دقت تشریح و تبیین کند، ولی چون کتاب از تمرین خالی است دانشجو نمی‌تواند پس از مطالعه این اثر قدرت کاملی را در تشخیص مسائل بیان و بدیع در دیگر مثال‌های نهج‌البلاغه به‌دست بیاورد و دانش فراگیر تاحد بسیاری محدود به همین مثال‌ها می‌شود. نگارنده این مقاله پس از معرفی کتاب و نویسنده مهم‌ترین نکات تأمل‌پذیر و اشکالات آن را به دو دسته اشکالات محتوایی و اشکالات شکلی تقسیم کرده است، اگرچه مرزبندی این دو بخش در بسیاری موارد دشوار می‌نماید، درنهایت پیش‌نهاداتی را ارائه می‌کند شاید در چاپ‌های بعدی این اثر به‌کار آید.

۲. معرفی اثر

محمد خاقانی در کتاب جلوه‌های بلاغت در نهج‌البلاغه نکات دو دانش بیان و بدیع را بررسی کرده است. این اثر در سال ۱۳۹۰ ازسوی انتشارات نهج‌البلاغه در تهران در ۳۸۸ صفحه و در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه به چاپ دوم رسیده است. هدف نگارنده، آن‌گونه‌که در مقدمه چاپ دوم در صفحه ۱۰ ذکر کرده است، تحلیل همه آرایه‌های بیانی و بدیعی نهج‌البلاغه است. این کتاب از دو بخش اصلی تشکیل شده است: در بخش اول مسائل علم بیان و در بخش دوم آرایه‌های لفظی و معنوی علم بدیع در نهج‌البلاغه تحلیل و بررسی شده‌اند. ضمن این‌که نویسنده در پیش‌گفتار اهمیت کار خود را در حیطه ادبیات عرب موردتوجه قرار داده و سپس از سیمای بلاغت در ادبیات عرب تا عصر امام علی (ع) سخن گفته است و در بخشی دیگر به شخصیت ادبی امام همام علی (ع) و هم‌چنین به شخصیت گردآورنده نهج‌البلاغه، شریف رضی، می‌پردازد؛ آن‌گاه شرح‌های مهم نهج‌البلاغه را نام می‌برد و سه شرح مشهور ابن‌ابی‌الحدید و میثم بحرانی و میرزا حبیب خوئی را به خواننده معرفی می‌کند و به بیان مزایا و خصوصیات این شرح‌ها مبادرت می‌ورزد.

۳. معرفی نگارنده

دکتر محمد خاقانی اصفهانی، استاد گروه عربی دانشگاه اصفهان، متولد ۱۳۳۷، پس از اخذ دیپلم در رشته ادبی در سال ۱۳۳۵ و کارشناسی زبان و ادبیات عرب در سال ۱۳۶۳ در دانشگاه اصفهان و کارشناسی ارشد رشته مذکور در سال ۱۳۶۷ در دانشگاه تربیت مدرس و دکتری رشته زبان و ادبیات عرب در سال ۱۳۷۱، با نگارش رساله خود درباره تحلیل نکات بلاغی نهج البلاغه و طی برخی از مدارج حوزوی و بعد از یک دوره تدریس در آموزش و پرورش و حوزه علمیه و دانشگاه آزاد به سال ۱۳۷۸ به عضویت گروه زبان و ادبیات عرب اصفهان درآمد و هم‌اکنون در این دانشگاه مشغول به امور آموزشی و پژوهشی است. تاکنون از این استاد فرزانه چندین مقاله و کتاب منتشر شده است.

۴. نقاط قوت

۱.۴ از نظر محتوایی

اهداف اصلی هر کتاب درسی از طریق مفاهیم نهفته در محتوای آن تأمین می‌شود. مهم‌ترین بخش نقد هر کتاب ارزیابی محتوای آن است که باید متخصصان هر رشته به آن مبادرت ورزند. بدیهی است داوری نهایی در یک کتاب درسی براساس برآیند ارزش‌یابی از همه شاخص‌ها صورت می‌گیرد (رضی ۱۳۸۸: ۲). بنابراین، نگارنده سعی دارد که محتوای کتاب را برحسب توان خویش نقد و ارزیابی کند. به فرمایش رسول اکرم (ص): «اگر کسی از شما بتواند به برادرش سودی برساند، باید به او سود برساند» (دشتی ۱۳۸۸: حکمت ۹۱۵، ۸۲۵). امید است هدف از نگارش این سطرها چیزی جز این نباشد.

۱.۱.۴ روزآمدی

دانش بشر در رشته‌های مختلف پیوسته در حال افزایش و تغییرات است. بنابراین، کتاب درسی باید تازه‌ترین اطلاعات علمی مربوط به موضوع را در بر داشته باشد و مطالب آن هر چند وقت یکبار تجدیدنظر و به‌روز شود (رضی ۱۳۸۸: ۲). کتاب *جسوه‌های بلاغت در نهج البلاغه*، برخلاف پیش‌تر کتاب‌هایی که در دانش بلاغت نگاشته شده‌اند و از مثال‌های شعری قدیم و احیاناً به‌دور از مفاهیم بلند به‌گونه تکراری استفاده کرده‌اند، در تمامی مباحث از جملات پربار امام علی (ع) در حکم شاهد مثال استفاده کرده است. این امر در تمامی صفحات کتاب برای خواننده قابل درک است. بنابراین، ضمن روزآمدی با مبانی فلسفی و

اعتقادی خواننده نیز هم‌سویی دارد. به‌گفته حسن ملکی «آیا این انتظار نابه‌جاست که توقع داشته باشیم کتاب‌های علوم انسانی ما باید با ویژگی‌های انسان‌شناختی و معرفت‌شناسی مبتنی بر فلسفه اسلامی تناسب داشته باشد» (ملکی ۱۳۸۵: ۳). برای مثال کافی است به این جمله امام علی (ع)، که به‌منزله شاهد مثال استعاره در اثر مذکور نقل شده است، توجه شود: «مردم! از گرداب‌های بلا با کشتی‌های نجات برون شوید و به تبار خویش منازید و از راه بزرگی فروختن به یک سو روید که هر که با یآوری برخاست، روی رستگاری بیند و گرنه گردن نهد و آسوده نشیند» (خاقانی ۱۳۹۰: ۹۹). حال خواننده می‌تواند از لحاظ مفهوم این مثال را به این بیت شعر، که بیش‌تر نویسندگان برای استعاره بیان کرده‌اند، مقایسه و خود نتیجه‌گیری کند:

لدی أسد شاکي السلاح مقذف له لبد أظفاره لم تقلم

(تفتازانی ۱۴۱۱: ۲۳۵).

۲.۱.۴ معطوف به نیازهای اجتماعی

محتوای کتاب با ویژگی‌های یادگیرنده و با نیازها و مسائل اجتماعی رابطه ذاتی دارد. یادگیرنده و جامعه و محیط فرهنگی که در آن تعلیم و تربیت شکل می‌گیرد دو عاملی‌اند که به‌طور مساوی اهمیت دارند و همواره در هر موقعیت یادگیری حضور دارند (ملکی ۱۳۸۸: ۷). در این کتاب خواننده به‌راحتی می‌تواند، ضمن یادگرفتن دانش بیان و بدیع، جملات فراوانی را فراروی خود بیابد که معطوف به بسیاری از نیازهای اجتماعی وی باشد. برای مثال، اگر به صفحات ۶۷ مثال خطبه ۳، ۶۹ مثال خطبه ۳۹، ۸۱ مثال خطبه ۱۶، ۱۱۷ مثال حکمت ۱۷ و مثال خطبه ۸۷، ۲۲۴ مثال خطبه ۱۹ و خطبه ۱۰۰ و مثال حکمت ۲۳۲ مراجعه شود، مفاهیم بلندی فراروی خواننده قرار می‌گیرد که پاسخ‌گوی بسیاری از نیازهای اجتماعی انسان است و آدمی با عمل به این آموزه‌ها می‌تواند به مدینه فاضله دست یابد.

۳.۱.۴ جامعیت

کتاب درسی در زمینه موضوع موردنظر خود باید جامع باشد. جامع‌بودن مطالب کتاب درسی بدین معنی نیست که جایگاهی برای گردآوری هر مطلبی باشد که به‌نحوی با موضوع مرتبط است، بلکه بدین معنی است که باید با توجه به اهداف کلی و اهداف ویژه و سرفصل‌های هر درس سنجیده شود (رضی ۱۳۸۸: ۲). محمد خاقانی اگرچه نام کتاب را *جلوه‌های بلاغت در نهج‌البلاغه* انتخاب کرده است و این خواننده را دچار اشتباه می‌کند که

سه علم معانی و بیان و بدیع در اثر مذکور بررسی شده است، ولی موضوع کتاب درباره دانش بیان و بدیع است و نگارنده بسیار کوشیده است تا تمامی مباحث این دو علم را با مثال‌های بسیار دقیق به‌طور جامع شرح دهد و بررسی کند. فهرست مطالب در صفحات ۳-۷ کتاب مؤید این مطلب است. ضمن آن‌که انتخاب مثال‌های دیگری به‌جز نهج‌البلاغه جامعیت کتاب را دوچندان کرده است؛ برای مثال، در صفحات ۱۹، ۲۶، ۴۰، ۷۹، ۸۰، ۸۷، ۹۵، ۱۲۹، ۱۸۸۶، و ... از آیات الهی استفاده شده و در صفحات ۱۱۴، ۱۱۰، ۱۰۵، ۱۱۷، ۱۰۲، ۸۲، ۷۶، ۷۲، ۵۴، ۴۶، ۴۰، ۳۱، ۳۰، ۲۹، و ... از ابیات شاعران مختلفی نقل شده است و در صفحات ۱۶۲، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۶، ۱۵۴، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۴۹، ۱۴۸، ۴۸، و ... از امثال مختلف به‌منزله شاهد مثال تطبیقی بهره برده شده است.

۴.۱.۴ تناسب میان حجم اطلاعات اصلی و حجم اطلاعات جنبی

برخی از نویسندگان در هنگام نگارش دچار اشتباه می‌شوند و برای هر موضوع مورد بحث از اصل موضوع خارج می‌شوند و مثال‌ها و توضیحات و شاهدهای بسیاری را نقل می‌کنند که در مقایسه با اصل موضوع مورد بررسی حجم بسیار زیادی دارد و خواننده گاه فراموش می‌کند موضوع اصلی بحث در چه زمینه‌ای بوده است و یا برعکس عده‌ای نیاز را ایجاز و کوتاه‌گویی می‌انگارند که روح خواننده را ارضا نمی‌کند و برای دانشجو آرزوهای فراوان به‌جا می‌گذارد. این کتاب ضمن آن‌که در هر موضوع و عنوان از نهج‌البلاغه، که بحث اصلی است، یک یا چند شاهد مثال ذکر می‌کند هر از گاهی به مطالب دیگر گریز می‌زند و مطالبی را نقل می‌کند تا خواننده را از یک‌نواختی بیرون بیاورد؛ می‌توان اذعان کرد که از افراط و تفریط در آن خبری نیست؛ برای مثال، در صفحات زیر نگارنده به قرآن کریم یا دیوان‌های شاعران بدون زیاده‌روی گریز زده است:

در صفحات ۳۴۱، ۳۴۰، ۳۳۷، ۳۲۶، ۳۱۱، ۲۶۰، ۲۵۴، ۲۱۹، ۱۹۸، ۱۹۰، ۱۴۲، ۹۶، ۷۹، ۴۰، ۲۶، و ۱۹ ذکر آیات از قرآن کریم؛ در صفحات ۲۳۱، ۲۲۷، ۱۵۲، ۱۲۶، ۱۱۷، ۱۰۲، ۷۹، ۷۶، ۵۴، ۴۶، ۴۰، ۳۱، ۳۰، ۳۳۵، ۳۳۱، ۳۲۲، و ۲۵۰ ذکر اشعاری از شاعران؛ علاوه بر آیات و اشعار، از امثال گوناگونی به‌منزله شاهد مثال هم بهره جسته است.

۵.۱.۴ تناسب محتوای کتاب با موضوعات میان‌رشته‌ای

امروزه میان‌رشته‌ها و فرارشته‌ها در نظام دانشگاهی جایگاهی ویژه دارند، چراکه تعامل میان دو یا چند رشته سبب وحدت‌بخشی دانش‌های متفاوت می‌شود؛ ادبیات تطبیقی یکی از

نتایج میان‌رشته‌ای در علوم انسانی است. کتاب *جلوه‌های بلاغت در نهج‌البلاغه* چون مباحث دانش بیان و بدیع را با ذکر مثال‌های مختلف از *نهج‌البلاغه* و برخی منابع دیگر بررسی و تحلیل می‌کند، برای دانشجویان چندین رشته فایده‌بخش است؛ از جمله دانشجویانی که در رشته *نهج‌البلاغه* و حدیث و علوم قرآنی و زبان و ادبیات عربی و حتی زبان و ادبیات فارسی تحصیل می‌کنند؛ بنابر محتوای کتاب خاقانی، «سیر پیش‌رفت علوم جدید به ما می‌آموزد که علم به‌گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر بین‌رشته‌ای است و علوم، علی‌رغم محدودبودن در چهارچوب رشته علمی، بخشی از روایت‌های دانش‌های دیگرند» (رهادوست ۱۳۸۲: ۲۰۰).

۶.۱.۴ پیمودن شیوه اجتهادی در ارائه نظر

شیوه اجتهادی در تألیف کتب، به‌ویژه کتاب‌هایی که در حوزه دانش بلاغت به‌نگارش درمی‌آیند، امری بسیار پسندیده و ضروری است، تا هم از تقلید محض خارج شود و هم به‌شکل پویا عرضه شود. نگارنده در مباحث گوناگونی شیوه اجتهادی را در پیش گرفته است و خود در صفحه ۳۸۶ کتاب به فهرستی از موارد با مضمون اظهار نظر شخصی اشاره کرده است، اگرچه در صفحات ۱۰۱ و ۱۰۲ کتاب نگارنده اشکالاتی را که بر اقسام استعاره ذکر می‌کند در فهرست نیآورده است.

۷.۱.۴ توضیح واژگان مبهم

دانشجو در بسیاری از مطالب نیازمند است که معنی واژگان را بداند. نگارنده خوب راهی را می‌پیماید که واژگان پیچیده را در متن اثر خویش شرح و توضیح دهد؛ خاقانی در موارد بسیاری با اقدامی این‌چنینی از بسیاری از مفاهیم واژگان ابهام‌زدایی می‌کند و دانشجو به درک بیش‌تر رهنمون می‌شود؛ از جمله می‌توان به نمونه‌هایی در صفحات ۱۰۷ و ۱۰۹ واژه غریب، ۱۰۹ واژه شعار، ۱۱۲ واژه ادلاء، ۱۱۷ واژه نطق و جران، ۱۵۴ واژه قدح، و ... اشاره کرد. افزون‌براین، بیان توضیحات مفید و مناسب درباره وجه زیبایی‌شناختی توصیفات کلام امام علی (ع) نیز دانشجو را به درک زیبایی مفاهیم بلند جملات *نهج‌البلاغه* تشویق می‌کند. برای مثال، در صفحه ۷۱ نویسنده آورده است: معروف است که چون می‌خواهند ...؛ در صفحه ۷۲ بیان معنای «لعمقه» و توضیح زیبایی تشبیه در کلام امام علی (ع)؛ در صفحه ۷۵ بیان وجه زیبایی‌شناختی توصیف امام علی (ع) و نکویی تشبیه بلیغ در کلام ایشان؛ و در همین صفحه بیان توضیح درباره تشبیه تمثیل در کلام امام علی (ع)؛ و در صفحه ۹۹ بیان وجه زیبایی‌شناختی استعاره در بیانی از امام علی (ع).

۸.۱.۴ انسجام و یک‌پارچگی

یادگیری رویداد ذهنی وحدت‌گرا است که به شرایط منسجم و یک‌پارچه نیاز دارد. هرآنچه به‌نوعی در یادگیری مؤثر است، باید وحدت داشته باشد. کتاب درسی به‌عنوان عامل یادگیری دارای اجزا و عناصری است که هریک از آن‌ها برای یادگیری لازم است، ولی اثربخشی آن‌ها به کیفیت و وحدت آن‌ها بستگی دارد (ملکی ۱۳۸۵: ۸).

مباحث مختلف کتاب موردنظر به‌شکلی کاملاً منسجم و یک‌پارچه ارائه شده‌اند و جزء جزء عناصر با یکدیگر پیگیری واحد را تشکیل داده‌اند. برای مثال، نگارنده نخست در صفحه ۱۹ سیمای بلاغت در ادبیات عربی تا عصر امام علی (ع) را بررسی می‌کند؛ سپس شخصیت ادبی آن امام همام را در صفحه ۲۷ و بعد از آن شخصیت گردآورنده نهج‌البلاغه، یعنی شریف رضی، را در صفحه ۴۳ شرح می‌دهد، آن‌گاه به سبک و سیاق خطبه‌ها و نامه‌ها در صفحه ۴۴ و حکمت‌های نهج‌البلاغه در صفحه ۴۹ و شرح‌های مختلف نهج‌البلاغه در صفحات ۵۳-۵۷ می‌پردازد؛ سپس، مطالب دو دانش بیان و بدیع را بر مبنای نهج‌البلاغه تا پایان کتاب، به‌شکلی که مطالب و مباحث کاملاً با یکدیگر هماهنگ باشند، شرح می‌دهد.

۲.۴ از نظر شکلی

۱.۲.۴ شروع خوب

شروع خوب که در اصطلاح به براءت استهلال مشهور است یکی از نقاط قوتی است که در هر سخنی اعم از شعر یا نثر، کتاب یا مقاله، امری بسیار پسندیده محسوب می‌شود (هاشمی ۱۹۴۰ م: ۴۳۷). نگارنده در صفحه ۱۳ کتاب با شروع خوب در پیش‌گفتار و زمینه‌سازی برای ورود به بحث بلاغت دانشجو را به ادامه راه و برقراری ارتباط با متن برمی‌انگیزد. عوامل برانگیزاننده در کنار زمینه‌هایی که دانشجو آگاهی‌های پیشین خود را با مطالب کتاب مرتبط کند و هم‌چنین وجود امکاناتی در کتاب که دانشجو بتواند به تحقیق بپردازد و دامنه اطلاعات خود را افزایش دهد از محاسن کتاب شمرده می‌شوند (رضی ۱۳۸۸: ۴). نگارنده با بیان انگیزه‌های نگارش اثر حاضر و بیان نقاط قوت آن، در مقایسه با آثار دیگر، در صفحه ۱۶ سعی دارد که از آغاز راه انگیزه دانشجو را دوچندان کند.

۲.۲.۴ استفاره از منابع معتبر دست‌اول

منابع معتبر و اولیه منابع نزدیک به یک واقعه‌اند و شامل نوشته‌ها و کتاب‌هایی می‌شود که اشخاص نزدیک به ماجرا می‌نویسند. نگارنده کتاب موردنظر از برخی منابع اصیل هم‌چون

البيان والتبيين جاحظ و مفتاح العلوم سكاكي و الأغانى ابوالفرج اصفهانی و برخی شرح‌های نهج البلاغه هم چون شرح ابن ابی الحدید، که در فهرست منابع صفحات ۳۷۷-۳۷۸ آمده، استفاده کرده است، که تعداد آن به ۳۶ منبع می‌رسد. هرچند جای برخی منابع معتبر بلاغی هم چون آثار ابو هلال عسگری و فخر رازی و خطیب قزوینی، از پیش گامان دانش بلاغت، خالی است.

۳.۲.۴ اعراب‌گذاری

در کتاب‌هایی که به زبان عربی به‌نگارش درمی‌آیند و در آن‌ها از شاهد مثال‌های عربی استفاده می‌شود اعراب‌گذاری نقش مهمی را ایفا می‌کند، چراکه ممکن است گاهی با تغییر اعراب معنی متن برای دانشجو مبهم شود و حتی تغییر کند. جملات عربی کتاب مورد نظر اعراب‌گذاری نسبتاً کاملی دارند، البته چنان‌که بیان خواهد شد برخی موارد خالی از اشکال نیست؛ برای نمونه، موارد ذیل اعراب‌گذاری کاملی دارند: صفحه ۱۲۸ خطبه ۱۷؛ صفحه ۱۲۹ آیه ۲۱ سوره آل عمران؛ صفحه ۱۴۱ خطبه‌های ۸۷، ۴۱، ۲۲۳، ۱۹۲، ۱۵۸، ۱۶، و ۷۶؛ صفحه ۱۵۹ بیت شعر عمرو بن الکلثوم؛ صفحه ۲۰۲ خطبه ۱۹؛ صفحه ۲۲۴ خطبه ۱۹ و ۱۰۰۰ و حکمت ۲۳۲ و بیت شعر استشهد شده؛ صفحه ۲۹۴ خطبه ۱۹۲، ۱۶۰، ۱۷۰، و ...

۴.۲.۴ فهرست کامل

فهرست کامل می‌تواند دانشجو را در امر یادگیری مطالب کتاب بسیار یاری کند؛ بدین علت نگارنده کوشیده است که فهرست‌های مختلفی را در کتاب خود تهیه و تنظیم کند؛ از جمله: فهرست الفبایی موضوعات، فهرست تفصیلی و اجمالی آیات قرآن، فهرست احادیث، فهرست آیات و امثال، فهرست اعلام و اماکن، و فهرست نظریات شخصی که حدود ۳۰ صفحه است (۳۸۸-۳۴۹).

۵. نقاط ضعف

۱.۵ از نظر محتوایی

۱.۱.۵ جنبه آموزشی داشتن کتاب

کتاب مورد نظر کتابی علمی و آموزشی است؛ اعتبار آموزشی زمانی حاصل می‌شود که محتوای کتاب بر مبنای الگوی معینی طراحی شود. در دروس دانشگاهی بهتر است الگوهایی به کار رود که امکان گفت‌وگو و مباحثه را بین استاد و دانشجویان فراهم کند و به درک

بیش‌تر و کامل‌تر مطالب و موضوعات بینجامد و هم‌چنین زمینه را برای تحقیق و پژوهش فراهم آورد؛ حال این سؤال مطرح می‌شود که نگارنده چه الگویی را در نگارش کتاب دنبال کرده است؟ چون در سراسر کتاب مطالبی که به گفت‌وگوی میان استاد و دانشجو بینجامد بسیار کم‌رنگ است و هیچ موضوعی را برای تحقیق و پژوهش بیش‌تر مطرح نکرده است.

۲.۱.۵. تمارین برای کسب مهارت

یکی از ویژگی‌های برتر کتاب‌های آموزشی داشتن تمریناتی در پایان هر فصل برای کسب مهارت بیش‌تر دانشجو و ایجاد توان درک مسائل مشابه است، ولی در اثر مذکور هیچ‌گونه تمرینی ارائه نشده است. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا دانشجو پس از خواندن کتاب قدرت تشخیص مسائل دانش بیان و بدیع را در دیگر جملات نهج‌البلاغه خواهد داشت؟ جواب این سؤال جای تأمل و تفکر دارد، پل رامسدن در این‌باره می‌گوید که رویکرد تدریس سه دسته است: ۱. تدریس به‌منزله انتقال اطلاعات؛ ۲. سازمان‌دادن به یادگیری دانشجو؛ ۳. فراهم‌ساختن امکان یادگیری (ونتلینگ ۱۳۷۶: ۱۱۱-۱۱۲). به‌عبارتی دیگر، چه اندازه امکان یادگیری را برای دانشجو فراهم کرده است؟

۳.۱.۵. نظارت و ارزیابی

هر کتابی که برای یادگیری و آموزش تدوین می‌شود باید به نظارت و ارزیابی و شناخت فرایند یادگیری کمک کند. فعالیت‌های یادگیری پایان هر فصل می‌تواند امکان دست‌یابی به چنین بصیرتی را فراهم کند (ملکی ۱۳۸۵: ۱۲). حال این سؤال مطرح می‌شود که از آن‌جاکه در پایان فصل‌های کتاب مذکور هیچ تمرینی نیامده است، نگارنده محترم چه راه‌کاری را برای شناخت و نظارت و ارزیابی فرایند یادگیری دانشجو فراهم کرده است؟ پاسخ این سؤال نیز تأمل‌برانگیز است.

۴.۱.۵. عبارات نامفهوم

در کتاب موردنظر برخی عبارات و جملات ابهام دارند که این اشکال عمدتاً مربوط به آغاز کتاب است. برای مثال، صفحه ۱۴ خط ۳، صفحه ۱۵ خط ۲ بند آخر تا انتهای این بند در صفحه ۱۷، صفحه ۳۲ بند آخر ذیل خطبه ۲۳۶، چنان‌که در صفحه ۲۳۶ مواضع تشبیه و ارکان آن نیازمند شرح بیش‌تری است. نویسنده در این کتاب و در پیش‌گفتار آن، ضمن بیان انگیزه‌ها و شیوه کار خود، دو عیب کلی بر کتب بلاغی می‌گیرد (ص ۱۶): به‌اذعان خود

نویسنده (ص ۱۷) کتاب او نیز عیب و نقص دوم را، که قبلاً ذکر شده است، شامل می‌شود و آن عیب این است که مثال‌های مورد استشهاد در کتب بلاغی دیگرابیات و یا جملاستی قیچی شده از یک قصیده و یا مجموعه سخن‌اند، که به شکل گسسته و منفصل از سایر ابیات قصیده و یا جملاست دیگر آن مجموعه سخن ارائه می‌شوند، البته چنان‌که گفته شد کتاب خود او نیز همین نقص را دارد: هرچند در ادامه توجیهی ذکر می‌کند تا کمکی به رفع این اشکال کند.

۵.۱.۵ رعایت نکردن شکلی یک‌سان و یک‌دست در ارائه مباحث و مثال‌ها

دنبال کردن شیوه و شکلی یک‌سان چه در تعریف یک موضوع و چه در ارائه مثال و چه در ذکر تعداد مشخصی از مثال در هر عنوان و ... می‌تواند کمک بسیاری به تسهیل درک مطالب کند و مخاطب با خواندن بخشی از کتاب رویه‌ای خاص از آن را در ذهن خود شکل دهد که او را با ساختار کلی کتاب آشنا کند و ملال و خستگی را در مخاطب موجب نشود. کتاب حاضر برخی کاستی‌ها در این زمینه دارد که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌شود:

- نویسنده گاه مثال‌های متعددی را برای یک مبحث ذکر می‌کند و گاه حتی یک مثال هم از نهج‌البلاغه برای مبحثی دیگر ذکر نمی‌کند که شاید بیان‌گر اشراف‌نداشتن ایشان بر منبع مورد استفاده برای ذکر مثال در همه مباحث باشد؛ از سوی دیگر، اشاره نکردن به وجود داشتن یا نداشتن مثال برای آن مبحث خاص ضعیفی مضاعف است. حال آن‌که هدف، چنان‌که از عنوان کتاب برداشت می‌شود، بررسی و جست‌وجوی مثال از نهج‌البلاغه است، نه آن‌چه در کتب دیگر نیز یافت می‌شود. هرچند نویسنده یک بار این کار را انجام داده است که به صراحت اعلام می‌کند مثالی از نهج‌البلاغه نیافته است: صفحه ۲۵۲ مورد پنجم از انواع التفات، اما صورت عکس این مطلب فراوان است؛ برای نمونه، صفحه ۷۶ تشبیه ملفوف، صفحه ۹۵ اقسام مجاز، صفحه ۱۲۲ استعاره مرشحه، صفحه ۱۷۸ و صفحه ۱۷۹ برخی انواع مجاز، صفحه ۱۹۴ دو نوع از مجاز عقلی، صفحه ۲۲۴ مورد «ب»، صفحه ۲۲۶ شکل اول استخدام در حالی که برای شکل دوم مثال‌هایی متعدد ذکر شده است، صفحه ۲۴۹ نوع دوم باب تجرید، صفحه ۲۵۰ انواع چهارم و پنجم تجرید، صفحه ۲۵۱ نوع دوم باب التفات. نمونه‌ای دیگر از یک‌دست نبودن در کتاب ارائه کردن مثال بدون بیان تعریف در صفحه ۲۷۸ در مبحث استدراج است؛ هم‌چنین، یک‌دست نبودن در ارائه مثال از قرآن و سپس از نهج‌البلاغه در مثال‌های صنعت استخدام در صفحه ۲۶۰، البته اگر این رویه در همه‌جای کتاب و در تمامی مباحث مراعات شود، مفید و مناسب خواهد بود.

- نبود یک‌دستی در ارائه مثال‌های متعدد در مبحث سجع متوازی در صفحات ۳۱۴، ۳۱۵ و ۳۱۶. به نظر می‌رسد نویسنده در این‌گونه مواقع، که با مثال‌های متعدد مواجه شده، آن‌ها را ذکر کرده است، درحالی‌که در برخی مباحث دیگر کمبود مثال و گاه نبود مثال را شاهدیم، که احتمالاً ناشی از فقدان بررسی کامل است. از این‌رو، بیان تعداد مشخصی مثال در همه مباحث هم شکل یک‌دستی به کتاب می‌دهد و هم در خواننده ملال ایجاد نمی‌کند، به‌خصوص که اگر به‌منزله منبع درسی مورد استفاده دانشجویان باشد. در باب کنایه از موصوف صفحه ۱۹۶ و کنایه از صفت صفحه ۱۹۹ همین‌گونه‌اند.

- نبود یک‌دستی در ارائه تعریف و توضیح: نمونه‌ای دیگر برای ناهم‌گون بودن شکل ارائه مباحث یک‌دست نبودن ارائه تعریف از مباحث گوناگون کتاب است. مثلاً تعریف حقیقت و مجاز در صفحه ۸۸ نخست به زبان عربی و سپس ترجمه فارسی آن آمده است (و نیز در تعریف استعاره در صفحه ۹۶)، درحالی‌که این شکل از ارائه تعریف می‌بایست هم‌سان با بقیه مباحث کتاب باشد. برای مثال، در مبحث تشبیه در صفحه ۶۵ این حالت دیده نمی‌شود، البته این از باب مثال است؛ یعنی این شکل از ارائه تعریف در یک مبحث در موارد دیگر نیز نقض می‌شود.

- نبود یک‌دستی در ارائه مثال از شعر عربی که در همه‌جای کتاب دیده نمی‌شود و گاهی نویسنده دست به این کار می‌زند. مثل مبحث استعاره مصرحه در صفحه ۱۰۴، کنایه در صفحه ۱۹۵، نمونه‌ای دیگر از این موضوع ارائه مثال از شعر عربی بدون ذکر مثال از نهج البلاغه است؛ برای مثال، در مبحث استعاره تصریحیه صفحه ۹۹.

۲.۵ نقاط ضعف شکلی

۱.۲.۵ اشکال در ارجاع‌دهی

منابعی که در متن استفاده شده‌اند باید به‌طور کامل در بخش کتاب‌نامه بیابند، باید اطمینان حاصل شود که همه منابع هم در متن و هم در کتاب‌نامه آورده شده و مختصات آن‌ها دقیقاً یک‌سان بیان شده است (فتوحی ۱۳۸۹: ۱۷۵). کتاب مذکور در شکل و شیوه ارجاعات اسلوب خاصی را دنبال نمی‌کند و تنوعی ناپسند در شکل ارجاع به منابع در آن مشاهده می‌شود:

- یک‌سان نبودن شکل ارجاعات که گاه با علامت * و گاه عدد ذکر شده است؛ برای نمونه، صفحات ۲۰ و ۲۴.

- اکتفا کردن به «همان» به جای آوردن مجدد اسم منبع یا به جای ذکر «همان منبع» که نمونه‌های آن بسیارند؛ از جمله در صفحات ۲۱، ۲۳، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۴، ۴۰، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۲، ۷۳، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۵، ۱۰۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، و ...، البته در مواردی نویسنده محترم نکته مذکور را رعایت کرده است؛ هم‌چون: صفحات ۳۲ و ۳۳.

- بیان نکردن نشانی کتاب‌شناختی بعضی مطالب و مثال‌ها: نویسنده گاه مطالبی را بدون ذکر منبع مورداستفاده ذکر کرده که نمونه‌هایی از آن در ادامه آمده است؛ صفحه ۳۶ پانویشت ۲، صفحه ۴۰ بند ۴، صفحه ۴۱ بند ۳، صفحه ۴۲ خط ۳، مطالب صفحات ۴۴ و ۴۵، بند آخر صفحه ۴۶، صفحه ۹۸ مثال‌های ذکر شده از احادیث و آیات، صفحه ۲۲۴ مثال مورد «ب»، صفحه ۲۴۹ مثال قسمت دوم تجرید، صفحه ۲۵۰ موارد ۴ و ۵ از انواع تجرید، صفحه ۲۸۶ نبود ارجاع مثال، و

- در کتاب‌نامه مشخصات بعضی از کتب نوشته نشده است؛ هم‌چون کتاب *أغانی، البیان والتبیین* جاحظ، *نهج البلاغه فیض الاسلام* صفحه ۳۸۷، و *الغدیر* علامه امینی صفحه ۳۸۸.
- در کتاب‌نامه ترتیب خاصی دنبال نمی‌شود و قرآن کریم هم که در جای جای کتاب مورداستفاده بوده در این فهرست ذکر نشده است. از سویی، از آن‌چه معمول در شیوه ذکر منابع است در این کتاب اثری دیده نمی‌شود.

- بعضی منابع مورداستفاده در متن کتاب در کتاب‌نامه نیامده‌اند؛ مثل: *روضات الجنات* که در پانویشت صفحه ۴۳ ذکر شده، اما در پایان کتاب نیامده است؛ *تاریخ ادبیات زبان عربی* ترجمه عبدالمحمد آیتی که در صفحه ۴۴ ذکر شده، ولی در فهرست پایان کتاب نامی از این کتاب برده نشده است؛ و *النثر الفنی* که در صفحه ۵۱ ذکر شده است.

۲.۲.۵ سهوهای تایپی و نگارشی

باتوجه به اهمیت و اهداف کتاب و قرار گرفتن آن به منزله منبع و مرجع کمک‌درسی دانشگاهی، دقت در درست‌نویسی و نشانه‌گذاری این اثر ضروری است (نیکویخت ۱۳۹۰: ۴). باتوجه به این‌که کتاب حاضر به چاپ دوم رسیده و باوجود تلاش نویسنده در رعایت نثر علمی و زبان رسا، برطرف کردن اشکالات زیر اجتناب‌ناپذیر است:

- صفحه شناسه کتاب محقق = محمد؛

- صفحه ۱۳ خط ۳ «لایفوز بمرتبه» که شکل صحیح آن «لایفوز بمرتبه» است؛

- صفحه ۱۳ کلمه «اتتم» در آیه شریفه از قلم افتاده است؛
- حذف شدن حرف «گ» که در همه صفحات کتاب مشاهده می‌شود؛ برای نمونه، صفحه ۹ خط ۵، صفحه ۲۲ خط ۲، صفحه ۳۶ خط آخر، صفحه ۴۵ خط ۶، صفحه ۴۶ بند ۳ خط ۳، صفحه ۵۱ بند ۲ خط ۲، صفحه ۵۵ بند ۲ خط ۳، صفحه ۷۷ انتهای صفحه، صفحه ۸۴ ذیل عنوان بیان مقدار حال مشبه، صفحه ۱۱۷ خط ۵، صفحه ۱۲۱ بند ۴، صفحه ۲۶۹ بند آخر، و ...؛
- در صفحه ۲۳ خط ۴ نبود علائم موجب اشکال در درک مفهوم می‌شود؛
- صفحه ۳۲ «أصا» در جمله‌ای از نهج البلاغه، که شکل صحیح آن «أطأ» است؛
- صفحه ۵۵ خط ۴ از بند ۴ نقطه (.) اضافی است؛
- صفحه ۷۳ خط اول نیازمند علامت دونقطه (:) است؛
- صفحه ۷۳ «هولباس ... الوثیقة» کامل و هماهنگ با ترجمه نیست؛
- صفحه ۸۶ عنوان شماره ۵ مانند بقیه تیره شود؛
- صفحه ۹۵ بیت ذکر شده سرهم آمده است؛
- صفحه ۱۰۵ بند آخر «ای» اضافی است؛
- صفحه ۱۰۸ خط ۱ کلمه «آن‌ها» اضافی است؛
- صفحه ۱۱۰ خط ماقبل پایانی «بیم رق» که شکل صحیح آن «بیمرق» است؛
- صفحه ۱۳۹ فونت پانوشت درشت است؛
- صفحه ۱۲۲ عناوین «استعاره مرشحه»، «استعاره مجردة»، و «استعاره مطلقه» یک‌شکل نیستند؛
- حرکت‌گذاری کلمات در ابیات و عبارات عربی از محاسن کتاب است که البته گاه بعضی اشکالات در آن به‌خصوص در اعراب بعضی ابیات دیده می‌شود که می‌توان تصحیح کرد. شکل صحیح این حرکت‌گذاری‌ها چنین است: صفحه ۱۰۸ ومارعف ... بمثل عمرو، صفحه ۱۱۴ مصراع اول قامت تظللنی ...، صفحه ۱۱۵ الذی لایدرکه بعد ...، صفحه ۲۳۰ من القلوب، و

۳.۲.۵ صفحه‌آرایی

در کتاب حاضر برخی اشکالات به‌لحاظ صفحه‌آرایی مشاهده می‌شود که در ادامه آمده‌اند:

- صفحه ۴۱ عنوان و مطلب آشنایی با شریف رضی در صفحه‌ای جداگانه آورده شود؛
- صفحه ۴۳ بند ۲ ابتدا و انتهای خطوط ۵ و ۶ مرتب شود؛
- صفحه ۴۸ از کتاب خالی و بدون مطلب است؛
- صفحه ۶۴ نمودار به‌طور واضح درج نشده و شکلی ناقص دارد که بهتر است در صفحه‌ای مجزا آورده شود؛
- صفحه ۱۰۵ میان خطوط ۳ و ۴ در بند پایانی صفحه فاصله است؛
- صفحه ۲۲۰ خالی و بدون مطلب است؛
- صفحات ۳۵۶-۳۶۴ در فهرست تفصیلی آیات نوعی نامنظمی در ذکر شماره آیات دیده می‌شود که موجب سردرگمی است؛
- در فهرست تفصیلی آیات صفحه ۳۵۶ مقدم کردن فهرست آیات بر دیگر فهرست‌ها بهتر است؛
- در فهرست ابیات صفحات ۳۷۰-۳۷۶ بهتر است کلمه «روی» ملاک قرار گیرد تا از آشفتگی در صفحه ۳۷۶ هم اجتناب شود؛
- فهرست اعلام هرچند به‌حسب حروف الفبایی جدا شده است، ولی ترتیب الفبایی ذیل هر حرف رعایت نشده است؛

۶. پیش‌نهادات

۱. تنظیم فهرست اجمالی در آغاز کتاب و قراردادن فهرست تفصیلی در پایان کتاب؛
۲. آوردن خلاصه و نتیجه‌گیری در پایان هر فصل؛
۳. طرح و پیش‌نهاد مباحث پژوهشی مرتبط با موضوع کتاب و عنوان‌های فرعی مطرح‌شده در کتاب برای کسب مهارت بیشتر فراگیران؛
۴. ارائه تمریناتی در پایان هر بخش تا دانشجو بتواند با حل آن‌ها به قدرت تشخیص و مهارت بیشتر دست یابد؛
۵. استفاده از مثال‌ها و شاهدهای بیشتر در برخی از عنوان‌های کتاب که به یک مثال اکتفا شده است؛
۶. ارائه کار آماری گرچه امر دشواری است، ولی اگر یک یا چند خطبه نیز به‌صورت آماری تحلیل و تجزیه شود نتایج مفیدی به‌دست خواهد آمد؛

۷. تحلیل و بررسی دلایل به‌کارگیری آرایه‌های دانش بیان و بدیع از سوی امام علی (ع)؛
۸. تغییر عنوان کتاب به «جلوه‌های بیان و بدیع در نهج البلاغه» به‌جای جلوه‌های بلاغت در نهج البلاغه تا مخاطب گمان نبرد اثر مذکور به تمام دانش بلاغت در نهج البلاغه پرداخته است، اگرچه این عنوان از باب مجاز با علاقه جزء به کل درست می‌نماید؛
۹. استفاده از مثال‌های تطبیقی به‌خصوص مثال‌های شعری و نثری که با جملات نهج البلاغه بینامتنیت دارد؛
۱۰. طرح سؤال‌های جدید و افق‌های تازه تا کتاب فقط وسیله‌ای برای انتقال مطالب و موضوعات به فراگیران نباشد؛
۱۱. با ذوق می‌توان تصاویری را مرتبط با جملات نهج البلاغه برای جذاب‌تر شدن به برخی صفحات کتاب افزود؛
۱۲. قراردادن آیات قرآن در میان گیومه (۰۰) برای تشخیص از دیگر جملات و عبارات مذکور در کتاب؛
۱۳. ترجمه آیات مورد اشاره در کتاب و نیز ترجمه برخی عبارات و جملات عربی که نمونه‌های فراوانی در کتاب دیده می‌شوند که نیازمند ترجمه‌اند؛ برای مثال، صفحه ۲۰ بند ۲ و بند آخر، صفحه ۳۳ قلم، صفحه ۸۹، صفحه ۹۵، ۱۰۵، و ...
۱۴. قراردادن توضیحات اضافی که خارج از بحث اصلی‌اند در حاشیه و یا پانویشت کتاب که از آن نمونه است: صفحه ۷۰ درباره لفظ ابن‌البون، صفحه ۷۳ توضیح واژه نمرق، صفحه ۳۳۵ مسلک‌های تفسیری در قرآن (که البته ضرورتی در ذکر آن نیست)، صفحات ۳۱۰-۳۱۱ بلاغت جناس، صفحه ۳۱۷ مبحث دفاع از سجع؛
۱۵. از آن‌جاکه ترجمه مورداستفاده برای عبارات نهج البلاغه ترجمه مرحوم شهیدی است و این ترجمه بیش‌تر شکل ادبی دارد، ضرورت ایجاد می‌کند که واژگان دشوار عبارات در پانویست یا حاشیه کتاب توضیح داده شود که در مواردی این امر صورت یافته است؛ هم‌چون صفحه ۷۵ و در برخی موارد توضیحی برای واژگان دشوار نیامده است؛ هم‌چون صفحات ۷۱، ۷۹، و ... و یا نویسنده محترم می‌توانست از دیگر ترجمه‌های ارزش‌مند این کتاب شریف بهره بجوید تا غنای اثر ایشان دوچندان شود؛
۱۶. پرهیزکردن از ذکر مثال‌های تکراری: باتوجه‌به گستردگی زمینه کار، یعنی تمامی خطبه‌ها و نامه‌ها و ... از نهج البلاغه، احتیاجی به ذکر مثال‌های تکراری نیست مثل عبارت «لقد تقمصها» که در چند مورد تکرار شده است: صفحات ۶۷، ۷۷، و ۸۵؛

۱۷. ارائه تعریف و توضیح درباره برخی اصطلاحات نحوی به کار برده شده هم چون «من تبعیضیه» در صفحه ۱۵ و «لام عاقبت» و «لام غایت» در صفحه ۱۱۳؛
۱۸. منابع در پایان کتاب با مقدم کردن اسم مؤلف و ذکر نام خانوادگی و نام و سپس عنوان کتاب و ... بیاید (هواری ۱۹۹۹م: ۱۲۵۹).

۷. نتیجه گیری

تلاش نگارنده در جمع آوری و تألیف کتاب جلوه‌های بلاغت در نهج‌البلاغه به منزله منبعی برای بررسی مباحث دانش بیان و بدیع کاری بس ستودنی است، بدون شک نگارنده زحمات فراوانی را در این راه متحمل شده است. برخلاف دیگر آثار علوم بلاغت، که با تکیه بر مثال‌های تکراری و قدیمی و احیاناً با بار معنایی ناچیز نگاشته شده‌اند، در این اثر جملات پربار امام علی (ع) به منزله شاهد و مثال بررسی و تحلیل شده‌اند؛ نقاط قوت محتوایی اثر هم چون روزآمدی، منطبق بودن با نیازهای اجتماعی، جامعیت، تناسب میان حجم اطلاعات اصلی و حجم اطلاعات جنبی، تناسب محتوای کتاب با موضوعات میان‌رشته‌ای، شیوه اجتهادی نگارنده در ارائه نظر، توضیح واژگان مبهم، و انسجام و یک‌پارچگی مطالب؛ هم چنین، نقاط قوت شکلی اثر از جمله: شروع خوب، استفاده از منابع معتبر، اعراب‌گذاری، و فهرست کامل در متن بررسی شده‌اند؛ با وجود این، نقاط ضعفی از لحاظ محتوا و شکل در کتاب به چشم می‌خورند که برطرف کردن آن‌ها در چاپ‌های بعدی ضروری به نظر می‌آید. از جمله نقاط ضعف محتوایی می‌توان به ضعف در جنبه آموزشی، نبود تمرین برای کسب مهارت، ارائه نکردن راه کار برای نظارت و ارزیابی، و برخی عبارات نامفهوم و از نقاط ضعف شکلی می‌توان به اشکالات ارجاع‌دهی که خود چندین محور را در بر می‌گیرد، سهوهای تایپی و نگارشی، و پاره‌ای اشکالات در صفحه‌آرایی اشاره کرد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

- النفقازانی، سعدالدین (۲۰۰۴ م)، مختصر المعانی، بیروت، لبنان: مؤسسه تاریخ العربی.
- خاقانی، محمد (۱۳۹۰)، جلوه‌های بلاغت در نهج‌البلاغه، تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.
- خرم‌شاهی، بهاء‌الدین و مسعود انصاری (۱۳۷۸)، پیام پیامبر مجموعه‌ای از نامه‌ها، وصایا، دعاها، و تفسیرها و سخنان جامع و فراگیر حضرت محمد (ص)، تهران: علمی و فرهنگی.

۴۰ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال شانزدهم، شماره ششم، بهمن و اسفند ۱۳۹۵

دشتی، محمد (۱۳۸۸)، *نهج البلاغه*، قم: نسیم حیات.

رضی، احمد (۱۳۸۸)، «شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی»، *فصل‌نامه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، ش ۲۱.

رهادوست، بهار (۱۳۸۲)، «رویکرد بین‌رشته‌ای و مطالعه‌ای»، *زیباشناخت*، ش ۹.

فتوحی، محمود (۱۳۸۹)، *آیین نگارش مقاله علمی - پژوهشی*، تهران: سخن.

گرجی، مصطفی (۱۳۸۶)، «نقد کتاب آیین نگارش مقاله علمی - پژوهشی»، *مجله کتاب ماه ادبیات*، ش ۱.

ملکی، حسن (۱۳۸۵)، «مبانی و معیارهای نقد کتاب درسی دانشگاه»، *سخن سمت*، ش ۱۷.

نیکویخت، ناصر (۱۳۹۳)، «نقد کتاب آیین نگارش مقاله علمی - پژوهشی»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، س ۴، ش ۱، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ونتلینگ، تیم (۱۳۷۶)، *برنامه‌ریزی برای آموزش اثربخش*، ترجمه محمد چیدری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

هاشمی، سید احمد (۱۹۴۰ م)، *جواهر البلاغه فی المعانی والبیان والبدیع*، مصر: مطبعة الاعتماد.